



۲۰۱۷/۰۱/۱۶



دوکتور محمد ظاهر عزیز

حالت زار و ابتر معارف افغانستان

قسمت اول

من دو بار حالت زار و ابتر معارف افغانستان را که در طی سال های زیاد به فساد گسترده، بی دانشی و بی پروایی دستگاه فاسد در وزارت معارف مبتلا بود از طریق روزنامه وزین آرمان ملی و سایت های بیرون مرزی به اطلاع هموطنان رساندم. اخیراً از طریق رسانه های اجتماعی مطلع شدم که دروغگویی ها، فساد و دزدی های میلیون ها دالر که از طرف جامعه بین المللی به منظور تعلیم و تربیت اطفال افغان و برای با سواد ساختن میلیون ها زن و مرد افغانستان، در طی چند سال سخاوتمندانه به وزارت معارف داده شده بود، از طرف مسئولین عالیرتبه در آن وزارت، دزدیده شده است. برای اینکه دزدان جیب اطفال افغان، فساد و دزدی گسترده شان را در طی چند سال از نظر مادران و پدران اطفال افغان و جامعه بین المللی پنهان نمایند، تعداد شاگردان مکاتب، تعداد معلمان فعال، تعمیر مکاتب و دیگر مؤسسات تعلیمی را دو چند و گاهی سه چند حساب کرده بودند و به این صورت خاکستر سیاه به چشم فرزندان افغان و مادران و پدران شان پاشیدند، اما در عوض خود را صاحب ملیون ها دالر ساختند. این نوع فساد یعنی دزدی از جیب اطفال افغان و دزدی از بودجه معارف را بنده، بدترین و شرم آور ترین خیانت ملی حساب می کنم. با این نوع فساد و خیانت نه تنها ملیون ها طفل افغان بیسواد بزرگ شدند، بلکه راه ترقی و پیشرفت را از آنها گرفتند و توسعه اقتصادی و اجتماعی را بیشتر از پیش در کشور پسمانده و مبتلا به هزارها مشکل، بطنی ساختند که این امر خود خیانت بزرگ ملی محسوب می گردد.



من تنها نیستم که نقش و اهمیت تعلیم و تربیه با کیفیت، متری، متوازن و متجسس را که هر یک از فرزندان بزرگسالان بیسواد کشور ما به آن دسترسی داشته باشد، برای بهبود حیات عادی اتباع کشور، خانواده ها و به میان آمدن حکومت و دولت هوشیار، مسؤول، جوابگو و صادق و بالاخره ایجاد جامعه هوشیار، با فرهنگ، پیشرفته، مرفه و دارای شخصیت علمی و فرهنگی عالی، ضروری و مهم می دانم.

همه دانشمندان بزرگ جهان با این حقیقت متفق النظرند که هیچ کشوری نمی تواند بدون داشتن و به راه انداختن تعلیم و تربیه همگانی، با کیفیت، متجسس و متوازن که جوابگوی ضرورت های فعلی و نسل های آینده آن کشور باشد به حل مشکلات حاد و یا هدف های بزرگ ملی شان دست یابد.

مشکلات حادی که ما افغان ها هنوز، بعد از پانزده سال دروغ گویی ها، فساد سراسری و تعلیم و تربیه بی کیفیت در کشور، با آنها دست و گریبان هستیم کدام اند؟

مشکلات حادی که اکثریت مردم فقیر در کشور ما با آنها مبتلا اند عبارت اند از بیسوادی، (بیش از هفتاد فیصد مجموع نفوس در کشور که اکثر آنها را بزرگسالان و جوانان کشور تشکیل میدهند بیسواد هستند. بیش از هشتاد و پنج فیصد زن‌ها در کشور بیسواد اند. در قریه‌های افغانستان، بیش از نود و پنج فیصد زن‌ها و دخترها بیسواد هستند). ضمناً جهل، فقر، امراض، محرومیت‌ها، عدم دسترسی مردم به مسئولان حکومت، مسئولان پاک نفس و عاری از فساد، هوشیار و صاحب وجدان ملی و مردمی، از مشکلات حاد و عمده به شمار می‌روند.

حل مشکلات فوق و همچنان طرح برنامه‌های هوشیارانه در قالب سیاست و ستراتیژی ملی انکشافی به منظور رسیدن به هدف‌های بزرگ چون تعمیم و تحکیم وحدت ملی، عدالت اجتماعی، تعمیم صلح پایدار، تحکیم و تعمیم حقوق مساوی زن و مرد، دموکراسی واقعی، دفاع از قانون و حفظ هویت فرهنگ مردم افغانستان اهداف بزرگ محسوب می‌گردند که لازم است افغانها به آنها نائل آیند.

هیچ کدام از مشکلات و یا هدف‌های فوق بدون تعمیم تعلیم و تربیه همگانی، مترقی و دارای ظرفیت و کیفیت تعلیمی که با در نظر داشت ضرورت‌های کافه مردم افغانستان برنامه ریزی و تطبیق شود، امکان ندارد. با صداقت می‌گویم که بدون تعلیم و تربیه همگانی و با کیفیت، نه مشکلات حاد فعلی را حل کرده می‌توانیم و نه به هدف‌های بزرگ ملی دسترسی خواهیم داشت و نه آینده مرفه را برای مردم افغانستان پیش بینی و تأمین می‌توانیم.

اهمیت و ضرورت برنامه ریزی درست و تطبیق آن از طرف متخصصین مسلکی تعلیم و تربیه برای کسب تعلیم و تربیه با کیفیت و مترقی را می‌باید بیشتر از همه در قالب ارزش‌های معنوی مردم افغانستان جست و جو کرد. اگر در طی پانزده سال گذشته جست و جو نکردند، در آینده باید انجام دهند. دین مبین اسلام چهارده قرن قبل هدف‌ها و روش‌های مطلوب برای تعلیم و تربیه و جامعه هوشیار که با دیانت پاک در صلح و صفا و انسان دوستی زندگی نماید، تعیین نمود. اسلام به قابلیت بشر برای رسیدن به کمال علمی و انسانی و رفاه از راه کسب تعلیم و تربیه با کیفیت و همگانی اطمینان داشت. اسلام برای اولین بار در تاریخ بشریت فلسفه و روش تعلیمی آموزش دائم العمر را توصیه کرد و مسلمانان را دعوت نمود تا از (گهواره تا گور) دانش بجویند.

چون که کسب دانش در قید زمان و مکان نیست، این توصیه و روش تعلیمی در عصر معاصر از طرف سازمان تعلیمی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) تحت عنوان تعلیم و تربیه متداوم پذیرفته شده و به جهانیان توصیه گردیده است.

حدیث شریف (طلب العلم فریضه علی کل مسلم والمسلمه) شاهراه بزرگی را برای رسیدن انسان‌ها به کمال فضیلت علمی و انسانی، به روی مسلمانان باز کرد. به این صورت اسلام مردان و زنان را به آموختن امر کرد تا بتوانند به نوبه خود تعلیم و تربیه فرزندان امروز و نسل‌های بعدی را به عهده گیرند.

خلاصه این که پذیرش سیاست ملی برای تعمیم و انکشاف معارف در کشور و طرح ستراتیژی برای رسیدن به اهدافی که در سیاست ملی انکشاف تعلیم و تربیه در نظر گرفته می‌شود می‌باید همیش در حال تغییر، تحول و ارتقاء باشد، پیشرفت‌های علمی را بپذیرد، شخصیت انسانی هر زن و مرد افغان را تکامل بخشد و فرزندان ما را آزاد، هوشیار، خلاق بار آرد و ملبس به نوعی دانشی بسازد که قابلیت رفع ضرورت‌های خود، خانواده خود را داشته باشند. فرزندان افغان باید پاک نفس، صادق، وطنخواه، راستگو و شجاع تربیت گردند تا با قدرت علمی و حرمت به صداقت و پاک نفسی، در اعتلا و انکشاف کشور سهم هوشیارانه و صادقانه گرفته بتوانند.

هموطنان عزیز:

حالا مشترکاً مطالعه و ارزیابی می نمایم که در این مدت چهارده سال گذشته، زمانی که ملیون ها دالر از طرف جامعه بین المللی (سازمان های ملل متحد، جامعه اروپایی، بانک جهانی و کشورهای بزرگ دوست افغانستان) به کشور ما در جهت انکشاف و ارتقاء معارف همگانی، متوازن و با کیفیت کمک نمودند و همه کوشش را به کار بردند تا در برنامه های سواد آموزی، احیا و انکشاف معارف در وطن ما سهم بگیرند، فرزندان ما به تعلیم با کیفیت دسترسی داشته باشند، تعلیم و تربیه برحسب یک سیاست معقول و ستراتیژی و برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت در همه شقوق و رشته های تعلیم و تربیه، انکشاف نماید، برنامه های سواد آموزی برای ملیون ها زن و مرد بی سواد افغان طرح و تطبیق گردد، ما در کدام حد انکشاف معارف در وطن خود ما هستیم؟

پایان قسمت اول

ادامه دارد

